

چشم‌انداز مشاورهٔ مدرسه

آیا مشاور مدرسه دیده شده است؟!

▲ اشاره

دو سه قرن پیش در قاره سبز به دنبال شکل‌گیری نهادهای مدرن بلکه از پی تغییر شکل، ماهیت و یا کارکرد نهادهای اجتماعی (پیدایش مدرنیته)، از آن جمله پیدایش نهاد تعلیم و تربیت جدید با نام مدرسه (school)، نیازهای جدید هم پدید آمد. اکنون چندین دهه از مطرح شدن نقشی به‌عنوان مشاور در عرصهٔ تعلیم و تربیت می‌گذرد و ما نیز یک قرن و نیم است که صاحب مدرسه شده‌ایم و تحولات و نقش‌گذاری‌های جدید را با اصلاحاتی پذیرفتیم. امروزه جامعهٔ والدین و دانش‌آموزان با چنین هویتی انس گرفته‌اند، مراکز مشاوره در سطح کشور روبه فزونی می‌روند و روز به روز میزان تقاضا برای بهره‌مندی از خدمات کارگشای مشاوره‌ای افزایش می‌یابد، اما همچنان تعریف، جایگاه، وظایف، حدود اختیارات و خطوط زرد و قرمز مشاور مدرسه در نظام آموزش و پرورش ما وضوح کافی ندارد. از صندلی‌های خالی مشاوره در دوره‌های ابتدایی و راهنمایی گرفته تا نبود اتاق ویژه مشاوره در مدارس متوسطه تا کمبود دوره‌های مهارت‌آموزی مطلوب برای مشاوران و بسیاری مسائل دیگر، بهانه‌ای شد تا با خانم «مجد تیموری» به گفت‌وگو بنشینیم و از سختی‌ها، کاستی‌ها و راهکارها با این مشاور نمونهٔ استان تهران سخن بگوییم.

مجد تیموری دوره کارشناسی را در رشته روان‌شناسی کودکان به پایان رسانید و به‌عنوان نفر اول دوره کارشناسی ارشد روان‌شناسی تربیتی پذیرفته شد. از جمله فعالیت‌های وی حضور در شورای بررسی مشکلات، عضویت در یکی از کلینیک‌های مشاوره شهر تهران، همکاری با برنامه تلویزیونی «صبح و زندگی» و تدریس در دوره‌های آموزش ضمن خدمت فرهنگیان است.



گفت‌وگو با فربیا مجد تیموری
مشاور نمونه استان تهران

■ خانم مجد تیموری، از نظر شما مشاور مدرسه چه کسی است، به عبارت دیگر، هویت حرفه‌ای مشاوران به چه چیز بازمی‌گردد؟

□ مشاور چندین ویژگی لازم دارد؛ اولین ویژگی او داشتن شخصیتی متناسب با این شغل است. افرادی می‌توانند وارد سیستم مشاوره شوند که این کار را دوست داشته باشند، درک همدلانهٔ بالایی با آدم‌ها داشته باشند، از مدیریت هوش هیجانی برخوردار بوده و در ذهنشان طرح‌های پیشگیری داشته باشند و به‌خصوص در چالش مستمر با مشکلات افراد باشند که این مهم مبتنی بر آموزش است. اگر آموزش نباشد، افراد دانش کافی برای تغییر نگرش‌ها نخواهند داشت.

مسئلهٔ بعدی رازداری است. مشاوره بدون رازداری، سرک کشیدن به مسائل دیگران و تعرض به حریم خصوصی آنان است. در این صورت مشاور، یک مزاحم و متجاوز تعریف می‌شود، نه کسی که می‌تواند کمک‌دهنده باشد.

فرزانه اسلامی

کارشناس ارشد روان‌شناسی

فاطمه خرقانیان

کارشناس علوم سیاسی



مشاور چندین ویژگی لازم دارد؛ اولین ویژگی او داشتن شخصیتی متناسب با این شغل است. افرادی می‌توانند وارد سیستم مشاوره شوند که این کار و آدم‌ها را دوست داشته باشند، درک همدلانه بالایی با آدم‌ها داشته باشند. مدیریت هوش هیجانی داشته باشند

به نیازهایش در اختیار دارد؟

□ هدف مشاوره رشد است اما چه کسی به رشد خود مشاور کمک می‌کند و به پرسش‌هایش پاسخ می‌دهد؟ بسیاری از معماها در ذهن مشاوران ما وجود دارد و خودشان جوابی برای آنها ندارند. ما هیچ بانک اطلاعاتی مناسبی برای مشاوران نداریم؛ یعنی، یک تیم حاذق مشاوره که بتواند خوراک فکری مورد نیاز سایرین را تأمین کند، وجود ندارد.

■ ضرورت وجود بانک اطلاعاتی چیست؟

□ ببینید ما در کشوری هستیم که تنوع فرهنگی در آن وجود دارد. نهادهای مختلفی از خانواده که نسل‌ساز است حمایت می‌کنند و دیدگاه‌های متنوعی وارد مدرسه می‌شود. ما چطور می‌توانیم وحدت رویه داشته باشیم؟ اصلاً لازم است داشته باشیم یا نه؟ نسبت به تنوع رویکرد موجود چه واکنشی داشته باشیم؟ چطور بین همه آرای موجود آشتی برقرار کنیم و چگونه خدماتی ارائه دهیم که احساس رضایت در آنها پدید آید.

■ شما به نحوی به مشکلات مشاوره در ایران اشاره کردید. فقدان بانک اطلاعاتی و وجود نیروهای ناکارآمد و افراد غیرمتخصص. حالا که این بحث باز شد، از چه زوایای دیگری می‌توانیم به مشکلات مشاوره در کشورمان نگاه کنیم؟

□ باید هویتی برای مشاوران تعریف کنیم یا استانداردهای شغلی به‌عنوان رفتار حرفه‌ای تعریف شود. تعریف باید برای مشاور و مدیرانی که در ارتباط مستقیم با مشاوران به روشنی صورت گیرد. در بسیاری از مدارس ما، مدیران فکر می‌کنند نفر دومی که باید از اطلاعات محرمانه دانش‌آموزان آگاه باشد، مدیر است و این به اعتبار و مقبولیت مشاور به‌طور جدی صدمه می‌زند. چون «رازداری» جزو رفتار اساسی حرفه‌ای مشاوره است.

■ آیا هنگام جذب نیرو در آموزش و پرورش این شاخصه‌ها مدنظر قرار می‌گیرند؟

□ ما سال‌ها این کار را در کلینیک توحید انجام می‌دادیم و حساسیت جدی داشتیم که مشاوران به لحاظ شخصیتی و نیز رشته تحصیلی مرتبط و گذراندن دوره‌های ارتقای مهارت مشاوره، استانداردهای لازم را دارا باشند. خصوصاً تعامل مشاور با سایر مشاوران و استادان و مراکزی که به توسعه بینش علمی آنها کمک می‌کند برای ما خیلی مهم بود. اینها زمانی وجود داشته اما می‌دانم که سال‌هاست این مسائل خیلی کم‌رنگ شده است.

هدف مشاوره در مدارس ارتقای شخصیت دانش‌آموزان و کمک به آنها برای کشف خود است و رازداری از لوازم اولیه این کار است.

■ جز خصوصیات فردی و رازداری که برشمردید، یک مشاور چه شاخصه دیگری باید داشته باشد؟

□ کسی که می‌خواهد مشاور شود، باید حتماً روان‌شناسی یا مشاوره خوانده باشد. حتی علوم تربیتی کفایت نمی‌کند. همچنین باید کارگاه‌های کارورزی و دوره‌های مخصوص کار با دانش‌آموز را که در آنها به ارزیابی مشکلات کودکان و نوجوانان پرداخته می‌شود، گذرانده باشد. اگر کسی در غیر این شرایط به‌عنوان مشاور وارد سیستم شود، نخست به صنف مشاوره صدمه می‌زند؛ چون این فرد ناکارآمد وارد می‌شود و بر باور مراجعان خود اثر منفی می‌گذارد. این احساس ناکارآمدی توسط مراجعان به یک صنف تعمیم می‌یابد. دومین صدمه ورود او، به خود این شخص است. بنابر مطالعات جهانی، فردی که آمادگی احراز یک شغل را ندارد، در خطر جدی فرسودگی شغلی است؛ چون بازخوردهای لازم را از کارش نمی‌گیرد و پاسخگوی انتظارات مراجعان خود نیز نخواهد بود. در نتیجه احساس بی‌کفایتی در او رشد می‌کند و زندگی‌اش به پوچی و بی‌معنایی می‌رسد. چنین فردی در نهایت، انگیزه‌های شغلی خود را از دست می‌دهد، کم‌کم احساس خستگی در او رشد می‌کند که بارزترین نشانه خستگی شغلی است.

■ آیا برقراری ارتباط میان مشاور و کادر مدرسه، ویژگی و شرایط خاصی می‌طلبد؟

□ بله. مسئله بعدی بحث اعتماد است مشاور به‌عنوان یک نیروی امین در مدارس تعدیل‌کننده روابط معلم و شاگرد، معلم‌ها با یکدیگر، و معلم‌ها با والدین است. همچنین، او باید استراتژی‌های تعلیم و تربیتی را که در مدرسه طراحی شده است، به سرانجام برساند. پس باید خیلی امین و مورد اعتماد باشد. در این صورت، اگر از معلمی بخواهد که ۲۰ دقیقه با دانش‌آموزش صحبت کند، آن معلم و سایر اولیای مدرسه باید بر این باور باشند که این مهم‌ترین موقعیتی است که برای دانش‌آموز یادشده وجود دارد و ضروری‌تر از حضور وی در کلاس است. در واقع، کادر مدرسه باید به مشاور ایمان داشته باشند و با او همراه باشند. وقتی مشاور می‌گوید برای این دانش‌آموز خاص این رفتار لازم است، کادر مدرسه نسبت به تشخیص و تجویز وی پذیرش داشته باشند.

■ یک مشاور همان‌طور که باید ویژگی‌هایی داشته باشد، هم‌زمان نیازهایی هم دارد، مشاور امروز چه منبعی برای پاسخ

هدف مشاوره در مدارس ارتقای شخصیت دانش آموزان و کمک به آنها برای کشف خود است

کسی که می‌خواهد مشاور شود، باید حتماً روان‌شناسی یا مشاوره خوانده باشد. حتی علوم تربیتی کفایت نمی‌کند. همچنین باید کارگاه‌های کارورزی و دوره‌های مخصوص کار با دانش آموز را که در آنها به ارزیابی مشکلات کودکان و نوجوانان پرداخته می‌شود، گذرانده باشد. اگر کسی در غیر این شرایط به عنوان مشاور وارد سیستم شود، نخست به صنف مشاوره صدمه می‌زند؛ چون این فرد ناکارآمد وارد می‌شود و بر باور مراجعان خود اثر منفی می‌گذارد. این احساس ناکارآمدی توسط مراجعان به یک صنف تعمیم می‌یابد. دومین صدمه ورود او، به خود این شخص است. بنابر مطالعات جهانی، فردی که آمادگی احراز یک شغل را ندارد، در خطر جدی فرسودگی شغلی است

■ فرایند مشاوره در مدارس چه رویکردی دارد و چه اهدافی را دنبال می‌کند؟

□ فرایند مشاوره در مدارس پیشگیری‌کننده از آسیب‌های اجتماعی است، کارآفرین (ارزش‌آفرین) است و به بهره‌وری سازمان‌ها در آینده کمک می‌کند. یعنی در صورتی دانش‌آموز در آینده به عنوان نیروی کار، بهره‌ور خواهد شد که دوران نوجوانی سالمی را گذرانده باشد و مشاور به این گذار سالم، کمک می‌کند. مشاور به کشف استعدادها و افراد و تعدیل هیجانات آنان کمک می‌کند. به دانش‌آموز یاد می‌دهد که چگونه با بحران‌های زندگی برخورد کند، از بحران‌ها با احساس موفقیت و سربلندی بیرون آید و زمانی که وارد بازار کار و زندگی آینده شد، با توجه به قابلیت‌هایی که به دست آورده است، کارآفرین، خلاق و شاداب باشد و اساساً بخشی از مهارت‌های زندگی تحت نظر وی شکل می‌گیرد.

■ مشاور چگونه می‌تواند در افراد روحیه‌ای شاداب ایجاد کند؟ به عبارت دیگر، نقش مشاور در این زمینه چیست؟

□ ایجاد روحیه شادابی در جامعه مستلزم این است که در دوره‌ای که فرد نوجوان، به اصلاح روابط والد و فرزند احتیاج دارد یا، نیازمند یادگیری‌های جدید، اصلاح نگرش و برون‌رفت از بحران‌های این دوره، نیاز دارد افق‌های آینده را به او نشان دهید، به این نیاز پاسخ مثبت داده شود.

در این صورت، او احساس بهتری پیدا می‌کند و آسوده خاطر می‌شود، از ترس و وحشت مواجهه با آینده رها می‌شود، اعتماد به نفس پیدا می‌کند و نشاط می‌یابد. به این ترتیب، مشاور سطح بهره‌وری سازمان‌ها و مؤسسات صنعتی، دولتی و خدماتی جامعه را افزایش می‌دهد؛ یعنی، خدمات مشاوره، حیات‌بخش و اعتلابخش جامعه انسانی است و زندگی افراد را ارتقا می‌دهد.

البته یک سیستم باید به این قضیه معتقد باشد؛ چون اینها کارکردهای سیستمی است. اگر فقط من و شما در این باره صحبت کنیم، در انزوا دست و پا می‌زنیم.

یعنی همه اینها مستلزم این است که جایگاه مشاور در مدرسه شناخته شده باشد در حالی که اولین مشکل ما این است که پرسنل مدرسه مشاور را یک هویت مستقل نمی‌دانند!

مشاوران ما در انزوا زندگی می‌کنند؛ چون تعاملی با کسی ندارند. از طرفی، کسی هم از دشواری کار آنها مطلع نیست. آنها رنج‌ها را تحمل می‌کنند ولی به خاطر حساسیت‌های شغلی‌شان مسائل را مطرح نمی‌کنند؛ چون محرمانه است. کسی فعالیت این افراد را جدی نمی‌گیرد

و همراهی‌شان نمی‌کند؛ باز خورد مناسبی هم از فعالیتشان نمی‌گیرند. سطح رضایت شغلی مشاوران پایین است. اغلب آنها به عنوان نیروی آموزشی با قرارداد جذب کار شده‌اند. در حالی که خدمت موظف نیروی آموزشی ۲۴ ساعت است، ساعات کار آنها را افزایش داده‌اند. اول وعده پرداخت حق الزحمه اضافه کار به آنها دادند و بعد آن را حذف کردند. این افراد هم اکنون نه آموزشی تلقی می‌شوند نه اداری؛ در حالی که مشاوره واقعاً یک فعالیت آموزشی است. در حقیقت مشاور در بخش آموزش برای پیشگیری فعالیت می‌کند. چون ساعات رسمی حضور آنها در مدرسه محدود است، به آنها هویت آموزشی نمی‌دهند. به این ترتیب، مشاوران از مزایای دسته آموزشی محروم‌اند. از طرف دیگر، وقتی افراد غیرمتخصص جذب کار مشاوره شوند، به این معنی است که مشاوره کار آسانی است و این حرکت شأن اجتماعی و اعتبار و مقبولیت مشاور را دچار خلل می‌کند.

■ یکی از مشکلات دیگر ما در بحث مشاوره فقدان مشاوران در دوره ابتدایی است.

□ بله، نبود نیروی مشاوره در دوره‌های پایین تحصیلی بسیار جدی است. مشاوره چیزی نیست که مختص دبیرستان باشد، در همه دوره‌ها، نوجوان به تسهیل‌گر رشد نیاز دارد. دانش‌آموز دوره ابتدایی، دوره اطلاعات را می‌گذراند و می‌تواند از دستورات مستقیم برای یادگیری استفاده کند. در این دوره، سرکشی چندان وجود ندارد و اغلب بر استعدادهای یادگیرنده تأکید می‌شود. در این دوره، مشاور به والدین کمک می‌کند تا سبک فرزندپروری صحیحی داشته باشند و به این ترتیب کودک از امکانات آموزشی کافی و تغذیه مناسب برخوردار باشد.

■ آیا می‌توان گفت روابط والد و فرزندی مهم‌ترین مسئله دانش‌آموز دوره ابتدایی است؟ بیش‌ترین مشکل دانش‌آموز دوره ابتدایی چیست؟

□ این یک قسمت مسئله است. اغلب مشکل اصلی روابط صحیح حمایتی است که باید از جانب خانواده دریافت شود. متأسفانه در جامعه ما افرات و تفریط وجود دارد؛ یعنی، بی‌توجهی زیاد و نادیده گرفتن کودک یا اشباع او از توجه و امکانات. توجه زیاد موجب می‌شود که کودک میل نداشته باشد وارد مرحله بعدی رشد شود. به این ترتیب، مسئولیت‌پذیری او در دوره نوجوانی آسیب می‌بیند.

■ آیا مشکلات دوره ابتدایی قابلیت طرح به صورت جنسیتی را دارند؟ آیا می‌توانیم مشکلات دختران و پسران را در دو دسته جداگانه مطرح کنیم؟



مشاور به عنوان یک نیروی امین در مدارس
تعدیل کننده روابط معلم و شاگرد، معلم‌ها با یکدیگر، و
معلم‌ها با والدین است

خواهند داشت اما متأسفانه اکنون دانش‌آموزانی وحشت زده را در سال اول دبیرستان دریافت می‌کنیم؛ آن هم در زمانی که با تغییرات فراوانی از نظر جسمی، روانی، تحصیلی و جایگاه فردی مواجه می‌شوند و مشکلات هیجانی زیادی دارند. با تغییر نظام آموزشی - که ۳-۳-۶ شده است - می‌طلبید که مشاوران به دوره معادل راهنمایی (متوسطه اول) کوچ کنند؛ زیرا دوره راهنمایی (متوسطه اول) زمانی است که هدایت تحصیلی، شغلی، استعدادیابی مفید و اثربخش است.

■ آخرین مقطع دبیرستان است؛ بیشترین مشکلاتی که در دوره دبیرستان خانواده‌ها را با بچه‌ها درگیر می‌کند، چه مواردی است؟

□ من الان بیشتر تجربه تهران و خصوصاً مناطق شمالی آن را دارم. البته در سایر مناطق تهران هم حضور دارم اما تجربه زیست‌ام بیشتر شمال تهران است و نمی‌توانم آن را به کل کشور تعمیم دهم. با این اوصاف آنچه می‌بینم، ضعف شدید مسئولیت‌پذیری، بی‌انضباطی، آشفتگی فکری و رفتاری است.

■ منظور تان از آشفتگی فکری و رفتاری چیست؟

□ بچه‌ها در زندگی هدف ندارند و به همین دلیل نمی‌توانند برنامه ریزی کنند. در واقع، روزمرگی می‌کنند. اغلب فکر می‌کنند که در این دنیا باید فقط گیرنده باشند؛ گیرنده توجه، احترام و خدمات. باید کمکشان کرد بفهمند که این موارد باید دوطرفه باشد و طرف مقابل هم نیاز به احترام، همدلی، درک متقابل و مشارکت دارد. مسئله بعد، مدگرایی و چشم و هم چشمی است. اگر یک روز به یکی از پارک‌های شمال تهران بروید، می‌بینید چقدر تعداد دختران و پسران شبیه به هم زیاد است؛ یعنی، رفتارهای منفعلانه اجتماعی زیادی در آنها می‌بینیم. مسئله دیگر خیال‌پردازی است. در حقیقت، آن قسمت از خواسته‌هایی که خانواده قادر به تأمین آن نمی‌باشد؛ در خیال بچه‌ها و گفته‌هایشان با دوستان به صورت اغراق آمیز بروز می‌کند. نکته بعد، مطالبه آزادی خصوصاً در دختران است. این مسئله خانواده‌ها را دچار تعارضات فراوانی می‌کند و به این خاطر به مشاور مراجعه می‌کنند. پنهان کاری بچه‌ها در این سن خیلی بالا می‌رود و حتی در بین خودشان الفبای رمزی می‌سازند.

■ به بخشی از مشکلات دوران نوجوانی اشاره کردید. در این مورد، چه کاری از مشاور مدرسه برمی‌آید؟

□ انجمن اولیا و مربیان طرح‌هایی را با عنوان «آموزش خانواده» پیش‌بینی کرده است که البته کافی نیست اما از هیچ بهتر است. مدیران می‌بایست از مشاوران خانواده کارآمد استفاده کنند و به این ترتیب جلسات پرسش و پاسخ و نیز جلسات آموزشی مستمر برقرار

□ صددرصد؛ نقش جنسی‌ای که هر فرد برای خود تعریف می‌کند و هویت جنسی‌ای که می‌پذیرد، خیلی مهم است. در دو دوره این اتفاق می‌افتد: ۳ تا ۶ سالگی اولین دوره رشد هویت جنسیتی است. در این دوره، کودک می‌پرسد «من کیستم؟ دخترم؟ آیا همیشه دختر می‌مانم؟» اگر او به پاسخ بلی برسد، یعنی به ثبات نقش جنسی برسد و احساس رضایت کند، اولین مرحله را سپری کرده است. بحث تفکیک تربیت جنسی در واقع بر هویت جنسی فرد تأکید دارد. بسیاری از خانواده‌ها در فضایی غیرواقعی زندگی می‌کنند و تصویر ذهنی آنها این است که «فرزند من دختر است ولی او را مثل یک مرد بارمی‌آورم». نگاهی که این‌گونه خانواده‌ها به دختر خود دارند، همان نگاهی است که به پسر دارند. رفتار مبتنی بر چنین نگاهی کودک را در هویت جنسی خود دچار تردید می‌کند و در دوره ابتدایی، پرخاشگری و ناسازگاری و... به دنبال دارد؛ چون کودک آنچه هست را دوست ندارد و دلش می‌خواهد چیز دیگری باشد. مسئله بعد هم اختلالات دوران کودکی مانند بیش‌فعالی و اختلالات یادگیری است. کودکان مبتلا به این‌گونه اختلالات، حس متفاوت بودن منفی دارند. این مسئله مشکلات سازشی فراوانی را در مدرسه ایجاد می‌کند.

■ یک مشاور در دوره ابتدایی برای مواجهه با این مشکلات چه اقداماتی می‌تواند انجام دهد؟

□ مشاور مدرسه کارش ارزیابی، زمینه‌یابی و تحلیل مؤلفه‌هایی است که باعث ایجاد مشکل شده است و البته ارجاع این مشکلات به درمانگر حرفه‌ای برای خانواده درمانی و رفتاردرمانی و نیز ارائه توصیه‌هایی برای معلم. اما متأسفانه ما اصلاً در دوره ابتدایی نیروی مشاوره نداریم.

■ اگر بخواهید از مهم‌ترین مشکلات دوره نوجوانی نام ببرید، به چه مواردی اشاره می‌کنید؟

□ دوره نوجوانی یک یعنی ۱۲ تا ۱۴ سالگی جزء حساس‌ترین دوره‌های رشد است. در این دوره، بچه‌ها بلوغ را تجربه می‌کنند و تغییرات فکری جدی در آنها نمایان می‌شود. نیازهایی برایشان مطرح می‌شود که پیش از این به آنها فکر نکرده بودند. از دوره اطاعت و تبعیت خارج می‌شوند و دوره هویت‌یابی جدی آنها شروع می‌شود. آنها به دنبال پاسخ این سؤال هستند که:

«ز کجا آمده‌ام. آمدنم بهر چه بود؟ به کجا می‌روم آخر نمایی وطنم.» در این دوره، ما با بسیاری از نوسانات خلقی مواجهیم. چه کسی می‌تواند کمک کند که آنها به اطلاعات مورد نیازشان برسند؟ جای مشاوره در مدارس راهنمایی ما جداً خالی است. اگر ما در راهنمایی فعالیت‌های مشاوره‌ای کافی داشته باشیم، بچه‌ها در دوره متوسطه مشکلات کمتری

■ تعامل یک مشاور با دانش آموزان چگونه آغاز می شود و شکل می گیرد؟

□ اولین کار مشاور معارفه است؛ اول باید خود را تعریف و تبلیغ کند و اولین قدم تعریف کلامی نیست. مشاور باید آدمی خوش لباس، خوش رو و خنده رو باشد، از بدو ورود همه را ببیند، نه اینکه صرفاً اگر کسی سلامی گفت، علیک گوید؛ با حرکات چهره و بدن با همه ارتباط برقرار کند تا همه از هم بپرسند این کیست؟ چه آدم جالبی است! مشاور باید باز و پذیرا باشد، بچه ها این رفتار را درک می کنند و با رفتارهای مختلف باز خورد می دهند مثلاً می گویند چه روسری زیبایی! یا می گویند این لباس امروز به شما نمی آید، اگر مشاور با بچه ها همراهی کند، آنها با او وارد تعامل می شوند اما اگر بگوید بچه از حد خودت خارج نشو، دانش آموز او را کنار می گذارد. بسیار مهم است که مشاور در کار بچه ها سرک نکشد و به حریم خصوصی دیگران احترام بگذارد. البته باید به بچه ها نزدیک شود و اگر حس کرد اجازه می دهند، بگوید «می توانم کاری برایت بکنم؟» «می خواهی با هم حرف بزیم؟» «دلت می خواهد در اتاق من باشی؟» دانش آموز باید احساس امنیت کند. در واقع، مشاور از ابتدا نمی پرسد «مشکل چیست» بلکه دانش آموز وقتی احساس امنیت کرد، خودش از او می پرسد «می توانم به شما اعتماد کنم؟» من به چنین دانش آموزی می گویم همه چیز را نگو، کم کم بگو، اگر دیدی می توانم مفید باشم بقیه را هم بگو. در واقع با این روش رازداری را به او نشان می دهیم.

باشد. برگزاری جلسات مشترک میان والدین و دانش آموز به درک بهتر آنها از هم کمک می کند.

■ اگر والدین همکاری نکنند (مثلاً دیده می شود که پدران در بسیاری از جلسات شرکت نمی کنند) شما چه راهکاری پیشنهاد می کنید؟

□ مدرسه باید برای ساعت تشکیل جلسات منعطف باشد. در عین حال، کلیشه ای در ذهن والدین ایجاد شده که تشکیل جلسه برای پول گرفتن است. باید این سوء تفاهم برطرف شود. ضمن اینکه فضا نباید یک طرفه باشد. باید بچه ها را در بحث مشارکت دهیم و به تجربیاتشان احترام بگذاریم. اگر احساس تعلق ایجاد کنیم، مثلاً راه اندازی جلسه یا اداره آن، خودجوش باشد و حتی مکانش جایی غیر از مدرسه باشد. به علاقه مندی بیشتر خانواده ها کمک می کند. حتی لازم نیست دعوت کننده حتماً مدیر باشد. این کار را دانش آموزان و والدین هم می توانند انجام دهند.

■ در برخورد با بچه ها، آیا شما روش های تهدیدی مثل کم کردن نمره انضباط و... را قبول دارید؟

□ اصلاً کمک نمی کند. ما باید اعتماد والدین را جلب کنیم. احساس نیازشان را برانگیزیم و این مسئله با تهدید حاصل نمی شود.





سطح رضایت شغلی مشاوران پایین است. اغلب آنها به عنوان نیروی آموزشی با قرارداد جذب کار شده‌اند. در حالی که خدمت موظف نیروی آموزشی ۲۴ ساعت است، ساعات کار آنها را افزایش داده‌اند. اول وعده پرداخت حق الزحمه اضافه کار به آنها دادند و بعد آن را حذف کردند. این افراد هم اکنون نه آموزشی تلقی می‌شوند نه اداری؛ در حالی که مشاوره واقعاً یک فعالیت آموزشی است. در حقیقت مشاور در بخش آموزش برای پیشگیری فعالیت می‌کند

فرایند مشاوره در مدارس، پیشگیری کننده از آسیب‌های اجتماعی است. کار آفرین (ارزش آفرین) است و به بهره‌وری سازمان‌ها در آینده کمک می‌کند. یعنی در صورتی دانش آموز در آینده به عنوان نیروی کار بهره‌ور خواهد شد که دوران نوجوانی سالمی را گذرانده باشد و مشاور به این گذران سالم، کمک می‌کند. مشاور به کشف استعداد های افراد و تعدیل هیجانات آنان کمک می‌کند. به دانش آموز یاد می‌دهد که چگونه با بحران‌های زندگی برخورد کند

■ نحوه ارتباط شما با معلمان مدرسه چگونه است؟

□ من هیجانات معلمان در مدرسه را مدیریت می‌کنم. از آنها می‌خواهم سریع عکس‌العمل نشان ندهند؛ خیلی برایم مهم است که رفتارهایشان همراه با تأمل باشند. به معلم‌ها می‌گویم بعضی بچه‌ها از جهنم آمده‌اند، بیایید این مسئله را درک کنیم و مدرسه را برایشان بهشت کنیم. پس نسبت به بعضی رفتارها عکس‌العمل تند نشان ندهید. در حقیقت معلمان بازوهای اطلاعاتی من در کلاس هستند و وقتی نشانه‌ای در کلاس دریافت می‌کنند، به سرعت آن را به من انتقال می‌دهند.

من هم مسئله را ریشه‌یابی می‌کنم و به معلم بازخورد می‌دهم که با فلان دانش‌آموز باید به چه صورت برخورد شود اما برای حفظ آبروی دانش‌آموز اسرارش را حفظ می‌کنم و مشکلاتش را برای معلم بازگو نمی‌کنم.

■ نگرانی‌های خاصی به‌ویژه در مورد دانش‌آموزان دبیرستانی

وجود دارد مثل رفتارهای پرخطر، به‌ویژه رابطه با جنس مخالف یا گرایش به مواد مخدر. وظیفه مشاور در این زمینه چیست؟ به خصوص اینکه کار مشاور پیشگیری و در نهایت، ارجاع است.

□ اول از همه خود مشاوران باید به‌طور جدی در کارگاه‌های مهارت‌های زندگی فعال شوند تا یاد بگیرند چگونه باید از آسیب‌های اجتماعی پیشگیری کرد. یکی از مسائل جدی، ارتقای مهارت‌های افراد است، بنابراین مشاوران باید کلاس‌های مستمری داشته باشند و مهارت‌های لازم را به بچه‌ها انتقال دهند. از طریق تکنیک‌های تئاتر درمانی، ایفای نقش و فعالیت‌های مختلف دیگر این مهارت‌ها در بچه‌ها درونی می‌شود و نگرش‌های عملکردی آنها تحت تأثیر قرار می‌گیرد.

■ الان مشاوران ما از چه دوره‌های آموزشی برخوردارند؟

□ آموزش خیلی ضعیف است. در یک سال گذشته، اعتبارات مالی که برای آموزش‌های ضمن خدمت تعیین شده آن قدر کم بوده که عملاً هیچ دوره آموزشی‌ای برگزار نشده است. مدارس خودگردان شده‌اند؛ یعنی هر مدرسه باید بتواند بودجه آموزش ضمن خدمتش را خود تأمین کند. در شرایطی که اعتبارات سرانه مدارس جواب‌گوی نیازهای روزمره نیست و والدین هم کمک نمی‌کنند، این هزینه‌ها چگونه باید تأمین شود؟ سرمایه‌های هر سازمان نیروی انسانی آن است. اگر آموزش و پرورش می‌خواهد به هدف‌هایش برسد، باید از نیروی انسانی خود مراقبت کند و این مراقبت مستلزم به‌روز کردن توانمندی‌های آنهاست.

■ پس از معارفه گام بعدی مشاور چیست؟

□ مشاور باید پرونده‌های بچه‌ها را در دو هفته اول مطالعه کند، چه کسانی والدینشان متارکه کرده‌اند، چه کسی والدینش فوت شده است و... من قبل از دیدن هر دانش‌آموز، اطلاعات زمینه‌ای مرتبط با او را به‌دست می‌آورم. گاهی لازم است با مدرسه قبلی بچه‌ها تماس بگیریم و اطلاعات بیشتری به‌دست آوریم تا بتوانیم سرویس مناسب ارائه دهیم. بعد به کلاس می‌رویم و رشته‌های متوسطه را برای بچه‌ها توضیح می‌دهیم و به سوالاتشان در این زمینه پاسخ می‌گوییم.

■ ملاقات خصوصی بچه‌ها با شما چگونه انجام می‌شود؟

□ برای ملاقات حضوری، هرکس می‌تواند یک ربع پیش من بیاید نه بیشتر اما می‌تواند تعداد دفعات مراجعه را بیشتر کنند. به‌همین دلیل، برنامه‌هایم رادر جدولی که روی در اتاقم نصب شده است، نوشته‌ام؛ ساعات پر را هم مشخص کرده‌ام. دانش‌آموز در جاهای خالی اسمش را می‌نویسد و این یعنی وقت گرفته است. گاهی دانش‌آموز نمی‌تواند از معلم وقت بگیرد؛ این را مطرح می‌کند و من با معلم صحبت می‌کنم و از او وقت می‌گیرم. من باید روابط بین‌فردی خود را با معلمان حفظ کنم. حتماً از تکنیک صمیمیت استفاده می‌کنم، حال همه را می‌پرسم، تور مسافرتی می‌گذارم. همه این کارها را می‌کنم تا زمانی که در مورد دانش‌آموزی به کمک آنها نیاز دارم، حرف‌م را زمین نیندازند و به من گوش دهند. من یک حساسیت خاص دارم و آن حساسیت نسبت به زنگ تفریح است. زنگ تفریح زمان خوبی برای مشاوره نیست. زنگ تفریح مشاور متعلق به همه است. من زنگ‌های تفریح در مدرسه می‌گردم، حال همه را می‌پرسم، هم معلم و هم دانش‌آموز. در این ساعت به کسی وقت مشاوره نمی‌دهم.